

قصیده یائیه میرفندرسکی: نسخه‌شناسی، تصحیح و تحقیق

ایرج داداشی*
دکتر غلامرضا اعوانی**

چکیده

نام میرفندرسکی بی‌درنگ یادآور قصیده معروف اوست. بر این قصیده شرح‌هایی نگاشته شده و همان‌گونه که خود میرفندرسکی این قصیده را به تبع شاعرانی چون ناصر خسرو سروده است، شاعرانی نیز آن را تقلید کرده و بر همان قالب قصاید مشابه‌ای سروده‌اند. این قصیده به توسط عده‌ای دیگر از شعرا تضمین و تخمیس هم شده است. قصیده یائیه علی‌رغم شهرتی که دارد، تاکنون مورد تحقیق و تصحیح قرار نگرفته است. بدبختانه نسخه‌ای به خط میرفندرسکی در دست نیست و تنها یک نسخه حاوی ۳۷ بیت نخستین این قصیده یافته‌ایم که در زمان حیات او کتابت شده است. نزدیک‌ترین نسخه به زمان حیات شاعر، حاوی ۶۷ بیت متعلق به ۴ سال پس از وفات اوست. نسخ خطی حاوی این قصیده، روایت‌های مجمل و گاه مفصلی از آن به دست می‌دهند. حتی بیشتر نسخه‌ها در تعداد و ترتیب ابیات با هم توافقی ندارند. محتوای خاص قصیده آن را در عداد اشعار حکمی همچون گلشن راز شبستری قرار می‌دهد. محققین در رویکرد میرفندرسکی بر اساس محتوای این قصیده اتفاق نظر ندارند، برخی آن را فلسفی و بر مذاق مکتب ارسطو و ابن‌سینا و برخی دیگر آن را عرفانی و منطبق بر مشرب ابن‌عربی و عرفان نظری می‌دانند. در این مقاله با استفاده از هفده نسخه که به فاصله زمان حیات تا ۱۵۰ سال پس از وفات شاعر استنساخ شده‌اند، تصحیح صورت گرفته است. قطعاً دسترسی به یک متن مصحح بسیاری از قضاوت‌ها را درباره میرفندرسکی تغییر خواهد داد.

کلید واژه‌ها: میرفندرسکی، قصیده یائیه، شعر حکمی.

مقدمه

تحقیق جامع درباره نگرش و اندیشه یک دانشمند، از اعصار گذشته، مستلزم بررسی و کند و کاو در همه ابعاد حیات و مطالعه تمامی آثار به جامانده از اوست. میرفندرسکی، به عنوان یکی از حکمای عصر طلایی حاکمیت صفویان و یکی از رؤوس مثلث زرین حکمت در این دوره، اندیشمندی است ذوابعاد و جامع الأطراف. لذا جستجو در میراث او، با توجه به فقدان اطلاعات کافی درباره این حکیم، ضرورتی مضاعف می‌یابد.

طی سال‌های اخیر، برای نگارنده این سطور، توفیقی دست داد تا درباره منش و زندگی و اندیشه میرفندرسکی پژوهشی گسترده را صورت دهد. حدود نود درصد از اسناد شناخته شده مربوط به این حکیم نحیر، طی سه سال گردآوری و مطالعه شد. نتایج این مطالعات در مقالات دیگری عرضه شده است.

شعر حکمت

حکمای مسلمان بعضاً سروده‌هایی در میان آثار خود به یادگار گذارده‌اند. برخی صرفاً نظم و فاقد ظرافت و تخییل شاعرانه است. برخی نیز فقط طبع آزمایی است. اما گاه شعرها هم از حیث قالب و هم از حیث مضمون از چنان کیفیتی برخوردارند که نمی‌توان نامی جز یک شعر معیار برآمده از طبعی سرشار از ذوق شاعری بر آن گذارد. سروده‌های میرفندرسکی طیفی از این اشعار را دربرمی‌گیرند. گاهی آنچنان ضعیف است، که به نظر می‌رسد ارزش نقل کردن را ندارد، و گاه آنچنان قوی، که تصور انتساب بدو را به تزلزل می‌افکند؛ زیرا تنها از طبعی چونان طبع شعرای بزرگ، چنین سروده‌ای را توقع می‌توان داشت.

شیخ حرّ عاملی در تذکرة المتبحرین یا الامل الآمل فی علماء جبل عامل می‌گوید که اشعار علما گاه حاوی معانی لطیف و مطالبی است تماماً مطلوب نظر؛ و این را به گونه‌ای می‌توان کمال آن عالم شمرد. لذا برخی علما در تقریر و تحریر مباحث بسیار فصیح و در تحقیق و فهم معانی بسیار دقیق هستند و این به معنای شاعر بودن آن عالم نیست. زیرا به طرق قابل اعتماد از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که: «إنّ من الشعر لحکمة وإنّ من البیان لسحرا» و همو از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده: «انما سمی البلیغ بلیغاً لانه یبلغ حاجته باهون سعیه» (حرّ عاملی، مجلس، ۱۸۵۶۷: ۵-پ).

آیا شعر ظرفی مناسب سخن حکمت است؟ برخی همانند شیخ محمود شبستری در گلشن راز، یا مولی جلال‌الدین بلخی در مثنوی معنوی معتقدند که معنی چون دریایی است

بی‌کران که در کرانمندی ظرف سخن نمی‌گنجد.

آیا اشعار میرفندرسکی هم در عداد شعر حکمت قرار می‌گیرد؟ تا آنجا که از ابیات به دست آمده از وی برمی‌آید، سروده‌های میر را می‌توان به چهار گروه از حیث مضمون تقسیم کرد: سروده‌های عاشقانه، سروده‌های رندانه، سروده‌های شکوه‌آمیز و سروده‌های حکیمانه. قصیده یائیه کاملاً در شمار سروده‌های حکیمانه قرار می‌گیرد که در آن میر نکات فلسفی را به نظم آورده است. اما قصیده شکوائیه او که با ردیف «نشد» و قافیه «ار» سروده شده بیشتر احوال خود وی و گلایه از روزگار را بیان می‌دارد. میر در قطعات و رباعیات عاشقانه و رندانه هم طبع روان‌تری از خود نشان می‌دهد و هم مضامین ظریف و مفاهیمی لطیف می‌آورد؛ تا اندازه‌ای که خواننده در نسبت این اشعار به میرفندرسکی در تردید می‌افتد. در مقاله پیشین به این سروده‌ها پرداخته شده است.

ملک‌الشعراى بهار رساله حقایق‌الصنایع یا صنایع میرفندرسکی را در شمار کتبی نام می‌برد که به شیوه علمی قدیم و سبک موجز و پخته و عبارت‌پردازی درست پارسی و به کاربردن افعال قدیم در جای خود نگاشته شده‌اند. «بهترین نثر محکم از شمار نثرهای علمی، مکاتیب یا رسالاتی است که علمای شیعه و سنی در رد یکدیگر نوشته‌اند...» (بهار ۳، ۱۳۶۹: ۳۰۵). اما نکته‌ای از نکات دستور زبان پارسی را متذکر می‌شود که ظاهراً برخی شعرا همانند میرفندرسکی آن را در سروده‌های خود نادیده انگاشته‌اند. فعل «استی» و «نیستی» که با گرفتن یای مجهول معنی استمرار، تمنی، شرط، شک و تردید، یا تشبیه از آن دریافت می‌شود، باید بعد از ادات تشبیه، شک و تمنی همانند: چون، گویی، پنداری، کاشکی، شاید، باشد و حرف شرط قرار گیرد. ناصر خسرو علوی در قصیده معروفی که ظاهراً مورد توجه میرفندرسکی بوده است، این قاعده را رعایت نموده است:

چیست این خیمه که گویی پرگهر دریاستی
یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی... الخ
به همین دلیل به قصیده میرفندرسکی این اشکال را وارد می‌کند: «ولی بعضی شعراى متأخر به تقلید متقدمان این صیغه را بدون رعایت قواعد دیرینه استعمال کرده‌اند و غلط افتاده است... که با کمال متانت سخن و علو معنی از این نقص منزّه نمانده‌اند، زیرا بدون دریافت جزئیات به تقلید کلیات پرداخته‌اند» (بهار ۱، ۱۳۶۹: ۳۵۱).

شعر در میان صناعات خمس، یکی از صناعات منطقی محسوب می‌شود. گرایش میرفندرسکی به رویکردی منطقی در بیشتر آثارش و تمایلی خاص به حوزه تفکر ابن‌سینا، شاید بتواند بهانه او برای تجربه انشاد شعر، به عنوان یکی از صناعات خمس باشد. باید

توجه داشت که در آمیختن نگرش عرفانی افلوطین با رویکرد ارسطویی، در فلسفه موسوم به مثناء، به دشواری می‌توان در این فلسفه از یک رویکرد ارسطویی صرف، سخن به میان آورد.

قصیده یائیه

حکیم میرابوالقاسم فندرسکی علاوه بر رساله ارزشمند «*حقایق الصنایع*» یا «*صناعیه*»، رساله‌های پراکنده‌ای با موضوعاتی چون حرکت، علم مناظر، مباحث منطق، کیمیا، و همچنین پاسخ به نامه‌ها و نیز سروده‌هایی دارد که هنوز متن منقح و نشر مصححی از آنها به دست داده نشده است. *قصیده یائیه* او در واقع سروده‌ای است حکمی و حاوی موضوعی است فلسفی. از این قصیده نگارش‌های متعددی در دست است که اختلافاتی در نحوه و تعداد ابیات آن دیده می‌شود.

زمان سرایش این قصیده به درستی معلوم نیست. اگر بر اساس مدارک و اسناد تاریخی قضاوت کنیم، احتمالاً باید بگوییم این قصیده به دوره پایانی عمر میرفندرسکی تعلق دارد. زیرا گزارش تقی‌الدین بلیانی (۱۰۶۰-۹۷۳ ه.ق) در کتاب *عرفات العاشقین*، هرچند بر شاعر بودن میرفندرسکی اشارتی دارد و ابیاتی از قصیده شکوائیه او و پاره‌ای از سروده‌های دیگرش را، برای نمونه ارائه می‌کند؛ لیکن هیچ اشاره‌ای و نقل قولی از این قصیده مشهور او ندارد. ملک شاه حسین سیستانی (بعد از ۱۰۳۸-۹۷۸ ه.ق) معاصر دیگر میرفندرسکی، که احتمالاً در تألیف *خیرالبیان*، *عرفات العاشقین* را منبع خود قرار داده، هیچ اشاره‌ای به قصیده یائیه نمی‌کند. ابوالمفاخر حسینی (زنده در ۱۰۷۸ ه.ق) نگارنده *تاریخ شاه صفی*، و جامع جنگ شعر معروف، فقط به نقل سروده‌های کوتاه میرفندرسکی پرداخته و از قصیده یاد نمی‌کند. بنابر این در منابع مکتوب معاصرین میرفندرسکی، که تا زمان حیات او نوشته شده، به جز در انتهای مجموعه‌ای از رسایل به خط علیقلی بن قرچغای قمی، در سال ۱۰۵۰ ه.ق یادی از این قصیده نشده است. در حالی که اغلب تذکره‌های شعرا همانند *تذکره نصرآبادی*، *آتشکده آذر*، *ریاض العارفین* و *مجمع الفصحاء* که تاریخ نگارش آنها پس از وفات میرفندرسکی است، از درج این قصیده دریغ نکرده‌اند. با توجه به این که صاحبان این تذکره‌ها همگی خود در عرصه شعر جایگاهی والا دارند، قطعاً در گزینش این قصیده، به وجوه ادبی آن توجه داشته‌اند. به همین دلیل می‌توان احتمال داد که میرفندرسکی به طور کلی سرودن شعر را از اوان جوانی آغاز کرده، اما «*قصیده یائیه*» را در پایان عمر سروده است.

نگارنده به خوبی بر اهمیت این مدعا واقف است. زیرا بلافاصله این نظر را در ذهن متبادر می‌کند که میر در روند حیات خود و در پایان عمر به وجوه معنوی و عرفانی توجه بیشتری یافته است. این موضوع را وجود شاگردانی چون رجب‌علی تبریزی، محمدسعید سرمد کاشی، حسن علی شوشتری، میرسید عبدالرزاق گیلانی، مولی محمدصادق اردستانی، مولی محمدتقی مجلسی، محقق خوانساری و سلسله شاگردان ایشان همچون قاضی سعید قمی، محمدصالح خلخالی، و محمدتقی لاهیجی که سنت معنوی او را ادامه داده‌اند، بیشتر تأیید می‌کند.

محمدطاهر نصرآبادی (۱۰۲۷-۱۰۸۹ ه.ق)^۱، در تذکره شعرا، که حدود سال ۱۰۸۰ ه.ق تألیف شده است، چند بیت نخستین این قصیده را ذکر می‌کند. بندرا بن داس خوشگو (۱۰۷۸-۱۱۷۰ ه.ق) در سفینه خوشگو گزیده‌ای از اشعار میرفندرسکی را ذکر و در اصل سه بیت از قصیده یائیه را آورده، اما درزی شوشتری^۲ در بازنویسی این سفینه ۳۹ بیت از قصیده را که نزد وی بوده، به همراه شرح کوتاهی از محمد صالح خلخالی نقل کرده و بر آن ابیات، افزوده است.

هنوز نسخه‌ای از قصیده یافت نشده است که بتوان یقین کرد توسط خود میرفندرسکی کتابت شده یا با نسخه اصلی به خط او یا تحت نظر او مقابله شده باشد. حتی بر اساس فهرست‌های نسخه‌های خطی، نسخه آستان قدس رضوی به شماره ۴۴۸۵ و تاریخ ۱۰۰۲ ه.ق. به هیچ وجه متعلق به زمان حیات میرفندرسکی نیست. زیرا این مجموعه شامل اوراق پراکنده‌ای است که حدود قرن سیزدهم ه.ق در یک بازه زمانی دوپست ساله گردآوری، و بین‌الدفتین در یک دفتر گردآوری و صحافی شده است و هریک از اوراق آن به زمانی متفاوت تعلق دارد. هیچ تاریخی هم برای استنساخ قصیده مندرج در این مجموعه، ذکر نشده است. لیکن هم به علت مغلوط بودن نسخه و هم به دلیل نقص در تعداد و ترتیب ابیات و نیز شباهت‌اش به نسخه‌های متأخر، می‌توان فهمید که نسخه‌ای متأخر است و نه متقدم.

نخستین نسخه‌ای که از قصیده یائیه یافته‌ایم، به خط علیقلی بن قرچغای قمی (پس از ۱۰۹۷ - ۱۰۲۰ ه.ق) است که در زمان حیات میرفندرسکی کتابت شده است. وجود قصیده در این نسخه در فهرست‌های موجود ذکر نشده است. این نسخه به شماره ۲۵۷۹ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

دومین نسخه یافت شده حاوی قصیده که نزدیک به حیات شاعر است، به شماره ۴۹۴۲

متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که به خط فریدالدین محمد بن محمد الکبیر و در یک بازه زمانی میان ۱۰۵۴ تا ۱۰۵۶ هـ ق نگاشته شده. این نسخه هم نزدیک‌ترین فاصله را با زمان وفات میرفندرسکی در سال ۱۰۴۹ هـ ق (یا به روایتی ۱۰۵۰ هـ ق) دارد. لذا به دلیل کامل بودن نسبت به همه نسخه، اساس قرار گرفته است.

نسخه کهن سوم متعلق به یک بازه زمانی از ۱۰۵۴ هـ ق تا ۱۰۶۶ هـ ق است. این نسخه به شماره ۱۴۵۱ در کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی در شهر قم نگهداری می‌شود. چهارمین نسخه به شماره ۱۲۰۷ متعلق به کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است که تاریخ استنساخ آن ربیع الاول ۱۰۶۶ هـ ق است. این نسخه شباهت نسبتاً تامی با نسخه ۱۴۵۱ مرعشی دارد.

سایر نسخه‌ها کمابیش از ۵۰ تا ۳۰۰ سال پس از وفات میرفندرسکی کتابت شده‌اند. از ۴۴ نسخه شناخته شده ۳۴ نسخه از کتابخانه‌ها گردآوری و ۱۷ نسخه برای تصحیح آن ملاحظه شده است. در جدول زیر فهرستی از نسخ حاوی قصیده یائیه که بر اساس تاریخ استنساخ مرتب شده‌اند، ملاحظه می‌شود. علامت + در ردیف موجودی، حاکی از آن است که نسخه مذکور تهیه و رؤیت شده است. لازم به تذکر است که کتاب‌های حاوی تذکره شعراً صرفاً جهت اعتبار ابیات و تعداد و ترتیب گزینش آن توسط مؤلفین این تذکره‌ها، مورد استفاده واقع شده‌اند.

با توجه به اشاره خود میر به بومعین ناصر خسرو در متن قصیده بی‌درنگ به این نتیجه می‌رسیم که این قصیده در پاسخ به قصیده ناصر خسرو سروده شده است. اما «بحر رمل مثنی محذوف» با وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» شاعران بسیاری را هوس سرودن داده است. مقدم بر میرفندرسکی، یکی دیگر از اهالی استرآباد به نام «نصرةالدین کبودجامه» که در دربار سلطان تکش خان خوارزمی دارای قرب و مقام بود و فیروزکوه و چند ناحیه دیگر به طور مستقل تحت رعایای وی قرار داشت^۳، قصیده‌ای کوتاه با همین ردیف سروده است.

از دل من گرنه هر دم آتشی برخاستی
 گر ز حال من بدانستی نگار سنگدل
 روی چون خورشید او هر کس که دیدی یک نظر
 چون نمی‌خواهم فزونی، می‌نخواهم نیز آنک
 گر کسی بودی که پیشم چارتایی برزدی
 این غزل را خوش فرو خواندی به آواز حزین
 ز آب چشم من جهانی سر به سر دریاستی
 هم ببخشدی مرا، گر خود دلش خاراستی
 همچو من شیدا شدی، گر بوعلی سیناستی
 روزگار از ناحفاظی بر من آرد کاستی
 این دوتایی در بر من هر زمان یکناستی
 جان بدو بخشیدمی حالی زمن گر خواستی

کبودجامه از معاصرین سدیدالدین محمد عوفی است، هر چند یکدیگر را ملاقات نکرده‌اند اما عوفی از بخشش‌های او بهره برده است. قصیده مذکور از هفت اقلیم نقل شده و عوفی ذکری از آن نکرده است. البته این تنها سروده خودستایانه کبودجامه نیست و ابیات دیگری نیز در ستایش خود سروده است.

در *طرائق الحقائق* آمده است این قصیده در استقبال از قصیده ناصر خسرو یا قصیده‌ای از نعمت‌الله ولی سروده شده است. مطلع قصیده ناصر خسرو این است:

چيست اين خيمه که گویی پرگهر دریاستی
 یا هزاران شمع در پنگانی از میناستی
 و قصیده نعمت‌الله ولی:

در دو عالم چون یکی دارنده اشیاستی
 جنبش دریا اگر چه موج خوانندش ولی
 هر یکی در ذات خود یکتای بی‌همناستی
 در حقیقت موج دریا عین این دریاستی

و حکیم قآنی شیرازی نیز قصیده‌ای در همین بحر و قافیه دارد که مطلع آن این است:

حمد بی حد را سزد ذاتی که بی همناستی
 واحد یکناستی هم خالق اشیاستی
 (معصوم شیرازی، ۳، ۱۳۴۵: ۱۵۹)

و همچنین جلال‌الدین بلخی رومی در *دیوان* کبیر دو غزل با همین وزن و ردیف دارد.

در فنای محض افشانند مردان آستی
 دامن خود برفشاند از دروغ و راستی
 (مولوی، ۶، ۱۳۷۸: ۹۷)

هر دلی را گر سوی گلزار جانان خاستی / در دل هر خار غم گلزار جان افزاستی
(مولوی ۶، ۱۳۷۸: ۱۰۸)

همچنین عنقای طالقانی نیز به روایت عبرت نایینی در کتاب *مدینه/الادب* سروده‌ای به همین ردیف دارد:

جل شأنه ذات عشق آن شاهد یکناستی / که صفاتش را کماهی عقل کل مجلاستی
آینه حسن دل‌آرایی روی شاه عشق / ذات پاک عقل کل عاشق یکناستی
(عبرت نایینی ۳، ۱۳۷۶: ۲۶۵)

روش تصحیح

در این تصحیح به شیوهٔ بینابین با اساس قرار دادن نسخهٔ اکمل، تفاوت روایت نسخه‌های دیگر به ترتیب تاریخ در پانویس ذکر شده است. در مصراع‌ها و ابیات نسخه اساس گاه به دلیل ناخوانایی، یا ثقل و ناهماهنگی کلماتی که کتابت شده است، معنای بیت یا وزن آن دچار آسیب بود. در این مورد چنانچه نسخ دیگر که احتمالاً به نسخهٔ مادر بهتری دسترسی داشته‌اند، که کلمه به صورت صحیح‌تری در آن ضبط شده بود، آن کلمه صحیح انتخاب و جایگزین گردید. اگر کلمه‌ای در اکثر نسخ متفقاً به نظر موزون‌تر و صحیح‌تر به نظر آمده، آن را به جای ضبط اساس قرار داده‌ایم و تفاوت اساس را در پانویس ذکر کرده‌ایم. مانند کلمهٔ «زیرین» در بیت دوم که به جای «از زیر» نشانده شد. در غیر این صورت کماکان به نسخه اساس وفادار مانده‌ایم.

تفاوت رسم الخط به جز در چند عبارت که خوانش آنها را متفاوت نشان می‌داد، مهم انگاشته نشده است. همانند: «به نگشایند»، «به بیند»، «کاین»، «کین»، «وین»، «گفته» و «گفته‌ای». همچنین بر اساس رسم الخط رایج آن دوره، کاتبان اغلب حرف «گ»، «پ»، «چ»، «ژ» را «ک»، «ب»، «ج»، و «ز» نگاشته‌اند. لذا فقط مطابق تلفظ امروزی کلمات می‌توان میان این حروف فرق گذاشت. در برخی کلمات کاتب نقطه نگذاشته است و بر اساس شکل کلمه و فحوای جمله می‌توان حدس زد که در اصل چه بوده است. اتصال کلمات که در نگارش قدیم رسم بوده، طبق رسم الخط جدید، تصحیح و برای نگارش متن قصیده، از رسم الخط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده شده است.

تفاوت ترتیب ذکر ابیات و احیاناً افتادگی برخی ابیات در برخی نسخه‌ها نیز در پانویس

آورده و نبود کلمه، مصرع یا بیت با علامت - و افزودگی‌ها با علامت + نشان داده شده است.

رمز نسخه‌ها بر اساس نام کتابخانه و در صورت تعدد نسخه و تکرار نام آن کتابخانه، گاه بر اساس نام صاحب مجموعه یا نام کتابی که قصیده در آن آورده شده، انتخاب و تعیین گردیده است. معنای برخی کلمات دشوار و اعلام در پایان مقاله ذکر شده است. در پایان به دلیل تفاوت‌هایی جزئی و مؤثر در معنای ابیات میان *ریاض العارفین* و *مجمع الفصحاء* از آثار رضا قلی‌خان هدایت، نسخه چاپی *مجمع الفصحاء* نیز در این تصحیح ملاحظه شد.

جدول شماره ۱: فهرست نسخ حاوی قصیده یائیه میرفندرسکی (به جز تذکره‌های شعرا)

ردیف	شماره نسخه	کتابخانه	تاریخ کتابت هجری قمری	کاتب	بعدزمانی، سال	موجودی
۱	۲۵۷۹	دانشگاه تهران	قبل از ۱۰۴۹	علیقلی بن قرچغای	زمان حیات	+
۲	۴۴۸۵	آستان قدس	۱۰۰۲؟!	ناشناخته	ناشناخته	+
۳	۴۹۴۲	مجلس	۱۰۵۴ تا ۱۰۵۶	فریدالدین محمد بن محمد الکبیر	۲ تا ۴	+
۴	۱۴۵۱	مرعشی	۱۰۵۴ تا ۱۰۶۶	ناشناخته	۵ تا ۱۷	+
۵	۴۳/۲	مفتاح	۱۱	احتمالاً همان ۱۲۰۷ مجلس	ناشناخته	-
۶	۱۲۰۷/۲	مجلس	۱۰۶۶	ناشناخته	۱۷	+
۷	۶۶۱۶/۱۱	دانشگاه تهران	۱۰۷۱	احمد سروی	۲۲	+
۸	۴۸۷۱	مجلس	۱۱	مهدی	ناشناخته	+
۹	۱۷۰۱۲	مجلس	۱۰۷۲ تا ۱۲۱۲	مختلف	۲۳ تا ۱۶۳	+
۱۰	۸۵۱۹	دانشگاه تهران	۱۱ و ۱۲	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۱	۵/۱۸۷-۸۹۷	گلپایگانی	۱۸ رجب ۱۰۷۷	ناشناخته	۲۸	-
۱۲	۲۴۵/۸	فاضل	۱۰۹۰	صفی‌الدین محمد حسینی	۴۱	+
۱۳	۱۵۶۸/۲	ملک	۱۲	ناشناخته	ناشناخته	+
۱۴	۱۸۳۹۸/۱	مجلس	۱۲	محمدحفیظ بن محمدشرف حسینی	ناشناخته	+
۱۵	۲۴۶۵/۵۱	دانشگاه تهران	۱۱۰۴	محمدقاسم	۵۵	+
۱۶	۴۱۹۱	دانشگاه تهران	۱۶ جمادی‌الثانی ۱۱۳۴	امین	۸۵	+
۱۷	۴۹۶۳	آستان قدس	۲۹ صفر ۱۱۴۷	محمدقاسم طباطبایی	۹۸	+
۱۸	۴۴۸۸	آستان قدس	اوایل قرن ۱۲	ناشناخته	۱۰۰	+
۱۹	۷۴۰/۲	دانشگاه تهران	۱۵ ذی‌القعدة ۱۱۵۳	رضی‌الدین محمد حسینی	۱۰۴	+
۲۰	۵۰۸۵/۳۹	ملک	۱۲ و ۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+

ردیف	شماره نسخه	کتابخانه	تاریخ کتابت هجری قمری	کاتب	بعدزمانی، سال	موجودی
۲۱	۹۷۵/۲	مجلس	۱۲ و ۱۳	ناشناخته	ناشناخته	—
۲۲	۱۵۰۸۲/۵	مرعشی	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+
۲۳	۹۴۶۷/۸۹	مجلس	شوال ۱۲۴۱	محمد بن جمشید مراغی	۱۹۲	+
۲۴	۱۷۶ (۸۰۶۰)	دانشگاه اصفهان	۱۲۵۲	ناشناخته	۲۰۳	+
۲۵	۱۴۲۵۴/۵	آستان قدس	شوال ۱۲۵۹ تا محرم ۱۲۶۰	محمدباقر	۲۱۱	—
۲۶	۲۳۲۹/۶۷	مجلس	۱۲۷۵	ناشناخته	۲۲۶	+
۲۷	۱۹۹۱/۱	ملی	۱۲۸۱	ناشناخته	۲۳۲	+
۲۸	۳۳۲۳/۱۵	مجلس	۱۲۹۷	ناشناخته	۲۴۸	+
۲۹	۷۵۱۲/۲	مرعشی	۲۶ رجب ۱۳۰۹	نصرالله لشکرنویس	۲۶۰	+
۳۰	۶۶۷/۱	طبسی حایری	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	—
۳۱	۱۳۴۳۳/۳	مجلس	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۲	۱۳۴۳۶/۲	مجلس	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۳	۵۸۲۴/۴	ملک	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۴	۱۵۷۰/۵	فیضیه قم	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	—
۳۵	۱۰۶۹۸	دانشگاه تهران	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۶	۲ بدون شماره	مرعشی	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	—
۳۷	۱۴۸۱/۶	ملک	۱۳	ناشناخته	ناشناخته	+
۳۸	۲۵۶۳	دانشگاه تهران	۱۴	علی متخلص به راقم	ناشناخته	+
۳۹	۷۴۷۱	دانشگاه تهران	۱۴	ناشناخته	ناشناخته	+
۴۰	—۲۸۶۰/۲ ۱۵/۱۰۰	گلیپایگانی قم	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	—
۴۱	۴۳۵۴/۱۰	دانشگاه تهران	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۴۲	۴۱۵۸	دانشگاه تهران	۱۴	ناشناخته	ناشناخته	+
۴۳	۵۲۱	کاظمینی یزد	۱۳۵۳	محمدتقی استرآبادی	۳۰۴	—
۴۴	۲۶۷۵	مجلس	ناشناخته	ناشناخته	ناشناخته	+
۴۵	۸۱۷۳	مجلس	۱۴	صحبته الله دبیر همایون	ناشناخته	+

جدول شماره ۲: رمز نسخه‌های مورد استفاده در این تصحیح

ردیف	رمز نسخه	شماره	محل نگهداری	تاریخ
۱	قرچغای	۲۵۷۹	کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران	زمان حیات مؤلف
۲	اساس	۴۹۴۲	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	۱۰۵۴ تا ۱۰۵۶ هـ ق
۳	مرعشی	۱۴۵۱	کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی	۱۰۵۴ تا ۱۰۶۶ هـ ق
۴	مجلس	۱۲۰۷	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	۱۰۶۶ هـ ق
۵	دانش	۶۶۱۶	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران	۱۰۷۱ هـ ق
۶	قاضی	۴۸۷۱	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	قرن ۱۱ هـ ق
۷	قدوس	۱۷۰۱۲	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	۱۰۷۲ هـ ق به بعد
۸	دانا	۸۵۱۹	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران	قرن ۱۱ و ۱۲ هـ ق
۹	حفیظ	۱۸۳۹۸	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	قرن ۱۲ هـ ق
۱۰	تحفه	۲۴۶۵	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران	۱۱۰۴ هـ ق
۱۱	رضی	۷۴۰۸	کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران	۱۵ ذی القعدة ۱۱۵۳ هـ ق
۱۲	آستان	۴۴۸۵	کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی	از ۱۰۰۲ تا قرن ۱۳ هـ ق
۱۳	ملک	۱۵۶۸	کتابخانه و موزه ملی ملک	قرن ۱۲ هـ ق
۱۴	نصرآبادی	۳۰۱۶	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	۱۰۸۶ هـ ق
۱۵	آتشکده	۱۱۵۲۹	سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران	۱۲ هـ ق
۱۶	ریاض	۱۵۰۵۹	کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی	۱۳ هـ ق
۱۷	نجفی	۱۵۰۸۲	کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی	۱۳ هـ ق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قصیده حکیم الهی میرابوالقاسم فندرسکی^۴

- ۱ چرخ با^۱ این اختران، نغزاً و^۲ خوش و^۳ زیباستی
- صورتی در زیر دارد، هر چه^۴ در^۵ بالاستی
- ۲ صورت^۶ زیرین^۷ اگر با^۸ نردبان معرفت
- بر^۹ رود^{۱۰} بالا، همان^{۱۱} با اصل خود یکتاستی
- ۳ این سخن را در نیابد^{۱۲} هیچ و هم^{۱۳} ظاهری^{۱۴}
- گر ابونصرستی، و گر^{۱۵} بوعلی سیناستی

- ۴ جان^{۲۱} اگر نه عارضستی، زیر این چرخ کهن^{۲۲}
- این بدنها نیز دایم، زنده و برپاستی^{۲۳}
- ۵ هر چه عارض باشد، او را^{۲۴} جوهری^{۲۵} باید^{۲۶} نخست
- عقل بر این دعوی ما،^{۲۷} شاهد و^{۲۸} گویاستی
- ۶ می توانی گر^{۲۹} زخورشید این صفتها^{۳۰} کسب کرد^{۳۱}
- روشن است و^{۳۲} بر همه تابان و^{۳۳} خود تنهاستی^{۳۴}
- ۷ صورت^{۳۵} عقلی چو^{۳۶} بی پایان و^{۳۷} جاویدان بود^{۳۸}
- با همه و^{۳۹} بی همه مجموعه و^{۴۰} یکتاستی^{۴۱}
- ۸ هفت^{۴۲} ره از^{۴۳} فوق ما از^{۴۴} آسمان فرموده^{۴۵} حق^{۴۶}
- هفت در^{۴۷} از^{۴۸} چرخ از دنیا سوی عقباستی^{۴۹}
- ۹ ره نیابد از دری بر^{۵۰} آسمان دنیاپرست
- در ننگشایند^{۵۱} بر وی^{۵۲}، گرچه^{۵۳} درها واستی
- ۱۰ می توان از راستی آسان شدن بر آسمان^{۵۴}
- راست باش و راست رو، کانجا^{۵۵} نباشد کاستی^{۵۶}
- ۱۱ این سخن^{۵۷} در رمز دانایان پیشین گفته اند^{۵۸}
- پی برد بر^{۵۹} رمزها هر کس که او داناستی
- ۱۲ زین سخن بگذر^{۶۰} که این^{۶۱} مهجور^{۶۲} اهل عالم است
- راستی پیدا کن و این راست گو با راستی^{۶۳}
- ۱۳ خواهشی اندر جهان هر خواستی^{۶۴} را در پی است
- خواهشی^{۶۵} باید که بعد از وی^{۶۶} نباشد خواستی^{۶۷}
- ۱۴ عقل کشتی، آرزو گرداب و^{۶۸} دانش بادبان^{۶۹}
- حق تعالی ساحل و عالم^{۷۰} همه دریاستی
- ۱۵ قول زیبا نیست بی کردار^{۷۱} زیبا سودمند^{۷۲}
- قول با کردار^{۷۳} زیبا^{۷۴} لایق^{۷۵} و^{۷۶} زیباست
- ۱۶ گفتن نیکوبه^{۷۷} نیکویی نه چون کردن^{۷۸} بود^{۷۹}
- نام حلوا بر زبان راندن^{۸۰} نه چون حلواستی^{۸۱}

- ۱۷ نفس را چون بندها^{۸۳} بگسیخت،^{۸۴} یابد^{۸۵} نام عقل
چون به بی‌بندی^{۸۶} رسد،^{۸۷} بند دگر برجاستی^{۸۸}
- ۱۸ آرزومند و برون^{۸۹} از آرزو بندند بند
بخرد و دانا دگر دیوانه و^{۹۰} کاناستی^{۹۱}
- ۱۹ نیست حدی^{۹۲} و نشانی کردگار پاک را
نه برون^{۹۳} از ما و نه بی ما و نه باماستی^{۹۴}
- ۲۰ نفس را این آرزو پابند^{۹۵} دارد در جهان^{۹۶}
تا به بند آرزویی، بند اندر پاستی^{۹۷}
- ۲۱ درمی‌اور^{۹۸} در میان چیزی و بر خوان الصمد^{۹۹}
از^{۱۰۰} میان برداشتن چیزی^{۱۰۱} که را یاراستی^{۱۰۲}
- ۲۲ سلب و ایجاب این دو بند^{۱۰۳} و^{۱۰۴} جمله اندر زیر اوست^{۱۰۵}
در میان سلب و ایجاب این جهان بریاستی^{۱۰۶}
- ۲۳ نیست آن جا^{۱۰۷} زیر و بالا و نه ایجاب و نه سلب
این^{۱۰۸} چنین هم گر بگویی،^{۱۰۹} کی بود ناراستی؟
- ۲۴ این جهان و آن جهان و بی جهان و با جهان^{۱۱۰}
هم توان گفتن مر او را، هم از آن بالاستی
- ۲۵ نفس را نتوان^{۱۱۱} ستود، او را ستودن کی توان^{۱۱۲}
نفس بنده عاشق و معشوق^{۱۱۳} او^{۱۱۴} مولاستی
- ۲۶ گفت دانا: نفس ما را نیست بعد از ما وجود^{۱۱۵}
می‌نماند^{۱۱۶} بعد ما نفسی که او ماراستی
- ۲۷ گفت دانا: نفس ما را بعد ما حشر است و نشر^{۱۱۷}
هر عمل کامروز کرد، او را جزا فرداستی
- ۲۸ گفت دانا: نفس ما را جاودان باشد وجود^{۱۱۸}
در جزای^{۱۱۹} و در عمل^{۱۲۰} آزاد^{۱۲۱} و^{۱۲۲} بی‌همتاستی^{۱۲۳}
- ۲۹ گفت دانا: نفس ما را ماضی و حال و سپس^{۱۲۴}
آتش و آب و هوا و اسفل و اعلاستی^{۱۲۵}

- گفت دانا: نفس را آغاز و انجامی^{۱۳۶} بود ۳۰
- گفت دانا: نفس بی انجام و بی مبداستی^{۱۳۷}
- گفت دانا: نفس هم^{۱۳۸} در جا^{۱۳۹} و هم بی جا^{۱۴۰} بود ۳۱
- گفت دانا: نفس نه در جا و نه بی جاستی^{۱۴۱}
- گفت دانا: نفس را وصفی نیارم هیچ گفت^{۱۴۲}
- نه بشرط شیء باشد، نه بشرط لاستی^{۱۴۳}
- این سخن ها^{۱۴۴} گفت دانا، هر^{۱۴۵} کسی از وهم^{۱۴۶} خویش
- در رباید^{۱۴۷} گفته [ای] کین گفتهها^{۱۴۸} یغماستی^{۱۴۹}
- هر یکی بر دیگری آرد دلیل از گفته [ای]^{۱۵۰} ۳۴
- در میان بحث و^{۱۵۱} نزاع و شورش و غوغاستی
- نکته [ای] از بومعین آرم^{۱۵۲} در^{۱۵۳} استشهاد این^{۱۵۴}
- گر چه او^{۱۵۵} در باب دیگر، لایق آنجاستی^{۱۵۶}؛
- هر کسی چیزی همی گوید به تیره^{۱۵۷} رای^{۱۵۸} خویش
- تا گمان آید^{۱۵۹} که او^{۱۶۰} قسطاء^{۱۶۱} بن لوقاستی^{۱۶۲}
- کاش دانایان پیشین^{۱۶۳} باز گفتندی^{۱۶۴} تمام
- کین^{۱۶۵} خلاف ناتمامان از میان برخواستی^{۱۶۶}
- جان عالم گویش^{۱۶۷}، گر ربط جان دانی^{۱۶۸} به تن
- در دل هر ذره هم پنهان و هم پیداستی^{۱۶۹}
- هر که فانی شد، به او یابد حیات جاودان
- ور به خود افتاد، کارش بی شک از موتاستی^{۱۷۰}
- هر چه بیرون است از ذات^{۱۷۱}، نیاید^{۱۷۲} سودمند
- خویش را کن ساز^{۱۷۳} اگر امروز اگر فرداستی^{۱۷۴}
- ساحل آمد بی گمانی بحر امکان را وجوب^{۱۷۵} ۴۱
- گفته دانا بر این^{۱۷۶} گفتار ما^{۱۷۷} گویاستی
- آن^{۱۷۸} سپهر دانش و کوه ثبات و^{۱۷۹} اقتدار
- آن که اندر گوهر پاکست دوصد درهاستی^{۱۸۰} ۴۲

- ۴۳ آن که عکس آفتاب روی او باشد^{۱۷۱} مرا^{۱۷۲}
- ۴۴ گر نهان باشد به دل چیز دگر پیداستی^{۱۷۳}
گفت دانا هیچ حدی نیست یزدان را از آنکه
- ۴۵ حد بدی گر حد نه از ترکیب برمی‌خواستی^{۱۷۴}
هر چه می‌گویی تو آن را باشد اندر حد تو
- ۴۶ حد نباشد آن که را حد سازد اندر عقل^{۱۷۶} ما^{۱۷۵}
بی نشانش گوی چون بی‌چند^{۱۷۸} و بی‌همتاستی
- ۴۷ گفت دانا این جهان و آن جهان باشد خدا^{۱۷۹}
هم نه اینست و نه آن در این همه بالاستی^{۱۸۰}
- ۴۸ با جهان از روی دهر و بی‌جهان از زور^{۱۸۱} کار
این جهان و آن جهان از روی علمش^{۱۸۲} خواستی
- ۴۹ در هویت نیست نه نفی و نه اثبات^{۱۸۳} و نه سلب
زان که از اینها همه، آن بی‌گمان بالاستی^{۱۸۴}
- ۵۰ هر چه بینی در جهان در دیگری باشد نهان
هر یکی را هم^{۱۸۵} توان گفتن که او یکتاستی^{۱۸۶}
- ۵۱ راه دیگر جوی^{۱۸۷} بهر حل این مشکل مبر
این گمان کاند^{۱۸۸} کتاب بوعلی سیناستی
- ۵۲ گفت دانا نیست هستی نفس ما را بعد ما
گویمت^{۱۸۹} یک نکته [ای] گر مردم داناستی
- ۵۳ چون که مرغ آید به هستی بیضه^{۱۹۰} کی ماند به جای
نیک بنگر کین سخن از مردم داناستی
- ۵۴ ورتو گویی جوجه خود از نیستی آید پدید^{۱۹۱}
خود به خود گویی که خوش در^{۱۹۲} گفت و گو ناراستی
- ۵۵ چون به حیوانی رسید^{۱۹۳} از بیضه بودن کم نشد
نفس هم چون شد برون هرگز نبیند^{۱۹۴} کاستی

- ۵۶ چون که در کون و فسادت نیست پای استوار
بینی اندر این سخنها اندکی ناراستی
- ۵۷ پس بود هم با وجود و هم بود با نیستی
هم بود آزادی آن^{۱۹۵} را هم بود واخاستی^{۱۹۶}
- ۵۸ هم ز باد و خاک و آتش^{۱۹۷} هم ز دیگر گوهران
هم بود اینها و هم او اسفل و^{۱۹۸} اعلاستی
- ۵۹ قعر این دریای بی پایان سکون دارد مدام
گر کنون از موجها پر شورش و غوغاستی^{۱۹۹}
- ۶۰ جمله این جنبش سکون آید^{۲۰۰} به چشم آنکه او
گوهر^{۲۰۱} او ته نشین گردیده در دریاستی^{۲۰۲}
- ۶۱ هر کس از درهای^{۲۰۳} گردون رو کند بر آخرت^{۲۰۴}
ز اختلافات مراتب^{۲۰۵} هر کسی^{۲۰۶} را جاستی^{۲۰۷}
- ۶۲ چون حیات جان بود بیرون^{۲۰۸} از علم یقین^{۲۰۹}
خود شوی^{۲۱۰} ثابت اگر علم تو پابرجاستی^{۲۱۱}
- ۶۳ از تغییر نیست غیر ذات^{۲۱۲} حق خالی ولی^{۲۱۳}
علم خود^{۲۱۴} آنست که از ذات حق^{۲۱۵} برخواستی^{۲۱۶}
- ۶۴ گر ز برهانت خبر نبود از این گفتار ما^{۲۱۷}
قول سالار رسل بر این سخن گویاستی
- ۶۵ آن که گر افلاک را ذاتش نگردیدی^{۲۱۸} سبب
کی حباب^{۲۱۹} هستی از بحر عدم برخواستی
- ۶۶ گر^{۲۲۰} تو بودی باعث کثرت در آغاز وجود
هم تو در انجام وحدت علة اولاستی
- ۶۷ بی شک اندر دور هستی اول و آخر تویی
ظاهر و باطن مرا بر^{۲۲۱} این سخن گویاستی

تعلیقات

۱. ابونصر، بیت ۳: محمد بن محمد بن طرخان ابونصر فارابی، [۳۳۹-۲۶۰]، «فاراب از شهرهای بلاد ترک است در ماوراءالنهر. و حکیم مذکور از فلاسفه ملت اسلامیه است. و کس را در تقدم و

تفوق وی دفعی و توفقی نه، از بلاد خود به عراق آمد و در بغداد مقیم گردید. علوم حکمی را در بغداد نزد یوحنا بن جیلاد مستوفی قرائت کرد. و از وی استفاده می‌نمود، تا از اقران و امثال درگذشت و در تحقیق بر همه غالب آمد. و شرح کرد کتب منطقیه را و غوامض و اسرار آن را واضح و مکشوف گردانید. و ایراد نمود جمیع مایحتاج الیه را از آن علوم، در عبارات صحیح و اشارات لطیفه. و تنبه نمود بر هر چیز که کند و غیر او از آن غافل مانده بوده‌اند، از صناعت تحلیل و انحاء تعالیم...» (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۷۹-۳۸۳)

۲. بوعلی سینا، بیت ۳ و ۵۱: (۴۱۶-۳۵۹ ه‍.ق) ابوعلی حسین بن سینا؛ الشیخ رئیس. «ذکر ابوعلی در این موضع از آن جهت اختیار کردم که کنیت او را از اسم‌اش مشهورتر یافتم. آورده‌اند که جماعتی از تلامذۀ شیخ، وی را از مبادی حال او سؤال کردند، پس شیخ برای ایشان احوال خویش را بر این صورت املا کرد که پدرم مردی بود از اهل بلخ و از آنجا به بخارا منتقل شد، در ایام نوح بن منصور... و پدرم از جمله مردمی بود که داعی مصریین را اجابت نموده، از جمله اسماعیلیه شمرده می‌شد. و شنیده بود از ایشان ذکر نفس و عقل، بر وجهی که ایشان می‌گویند... و من می‌شنیدم و می‌فهمیدم... و ذکر فلسفه و هندسه و حساب هند بر زبان می‌راندند... پس از این ابو عبدالله ناتلی وارد بخارا گردید و دعوی دانش فلسفه می‌کرد... پس شروع کردم نزد ناتلی به قرائت ایساغوجی... بعد از این شروع کردم و کتاب‌ها را خود مطالعه می‌کردم و شروع آنها را نیز مطالعه می‌نمودم... پس شروع کردم در حل مجسطی... علم طب خود از علوم صعبه نبود لاجرم در اندک فرصتی در آن فن فائق و مبرز گشتم... همواره بر این شیوه گذرانیدم، تا جمیع علوم را مستحکم نمودم... بالجمله، علم منطق و طبیعی و ریاضی را... و به علم الهی بازگشتن نمودم و کتاب مابعد الطبیعه را مطالعه نمودم...» (قفطی، ۱۳۷۱: ۵۷۰-۵۵۵)

۳. کاناستی؛ بیت ۱۸: کانا (صفت)، نادان و ابله و احمق و بی‌عقل. (برهان) (اوبهی) (آندراج) (ناظم الاطباء) (شعوری ج ۲ ورق ۲۲۹ الف). چلازه. (نک: دهخدا)

۴. بومعین، بیت ۳۵: (۴۸۱-۳۹۴ ه‍.ق)؛ «... و هو شاه ناصر بن خسرو بن حارث بن علی بن حسن بن علی بن محمد بن علی موسی الرضا علیه السلام، محیط زخار کمالات، مرکز پرگار حالات بوده و الحق کاملی است فاضل، مجردی واصل که از ننگ قیود انانیت وارسته، از جمیع مراتب بازماندگی درگذشته، بر حکمیات و شرعیات مستحضر، در معارف و حقایق متبحر است. صاحب علوم غریبه، عامل امور عجیبه شده و سبب علمیت او به حجت چند وجه است: اول هیچ کس را قدرت بحث در مسایل عقلی و نقلی با وی نبوده. دیگر آن که حال و بیان او حجت قاطع و برهان ساطع بوده بر کمالات و دیگر آن که به اصطلاح باطنیه نایب امام، به حجت ملقب می‌باشد. امام را کسب دانش لازم نیست اما حجت را ناگزیر است که در براهین علمی بر خصم حجت باشد... به خدمت بسیاری از مشایخ و عارفین رسیده و با شیخ ابوعلی سینا طریق مؤاخات و خصوصیات داشته و از خراسان... به بلخ مهاجرت نموده و در عین سیاحت چون به مصر وارد شده عزیز مصر او را به عواطف عظیم نواخته به درجه وزارت خودش مرتفع ساخته، بعد از مدتی جمعی از رشک و حسد در مقام عداوت وی درآمده کتاب مستوفی او را در فقه سوختند و به تکفیر او سجل نموده قصد هلاک وی کردند...» (اوحدی بلیانی ۲، ۱۳۸۹: ۱۰۸۴-۱۰۸۱)

۵. قسطا بن لوقا، بیت ۳۶: قسطا بن لوقا البعلبکی (۸۲۰-۹۱۲ م) (قرن ۳ ه‍.ق)، «فیلسوفی است نصرانی، در ایام دولت بنی‌عباس از بلاد شام به بلاد روم رفت و قدری بسیار از کتب حکما

تحصیل نموده، به شام مراجعت نمود، پس او را به عراق طلبیدند، تا ترجمه نماید کتابی چند و نقل نماید آنها را از لسان یونانی به عربی، معاصر یعقوب بن اسحاق کندی است. و در علم عدد و هندسه و نجوم و منطق و علوم طبیعی و طب محقق و ماهر بوده [است].... محمد بن اسحاق الندیم گوید: قسطا بن لوقا در بسیاری از علوم رتبه براءت و توفیق دارد، از طب و فلسفه و هندسه و اعداد و موسیقی، چنان که کس را در هیچ یک از اینها بر وی طعنی نه، و در لغت یونانی کمال فصاحت داشته، در خدمت بعضی از ملوک ارمنیه گذرانیده [است]، آنجا وفات یافت. (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۶۲-۳۶۱)

۶. مونتاسی؛ بیت ۳۸: موتا، [م]، (از عربی، صفت)، «موتی» در معنی مفرد، مرده و میت و فوت شده. (ناظم الاطباء) (نک: دهخدا)
۷. واخاستی؛ بیت ۵۷: واخواست، [خوا / خا] (مصدر مرکب مرخم، اسم مصدر مرکب)، بازخواست، (آندراج) (غیاث اللغات)، مؤاخذه، محاسبه، مطالبه، اعتراض. (نک: دهخدا)

پی‌نوشت‌ها

۱. در انجامة تذکره شعرا، نسخه خطی شماره ۳۰۱۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مکتوب در ۱۰۸۶ هـ.ق، به خط خود یادداشتی به تاریخ محرم ۱۰۸۹ هـ.ق، نگاشته و با سپاسگزاری از کاتب نسخه سبزعلی بابااحمدی، این نسخه را ملاحظه و تایید نموده است.
۲. در واقع او را باید نخستین ویراستار کتاب دانست که آن را بر حسب اتفاق در سیل شوشتر به دست آورد و تحت نظر اساتید و کارفرمایش به مرتب کردن و بازنویسی و شرح و بسط کتاب بندرا بن داس پرداخت.
۳. در *لباب الالباب* و عیناً در *هفت اقلیم* آمده است که حسودان آن قدر علیه او در دربار تکش سعایت کردند تا این که حکم قتل او را از پادشاه گرفتند. هنگام اجرای حکم وی با دادن اموال بسیار به مجریان حکم درخواست کرد که زنده به خدمت پادشاه برده شود تا اگر فرمان قتل تنفیذ شد جانش را همان‌جا بگیرند. در آن روز جشنی در دربار تکش برپا بود و به محض دیدن نصرالدین کبودجامه دستور داد تا مجریان حکم را مجازات کنند، لیکن کبودجامه با قرائت یک رباعی فرمان عفو پادشاه را دریافت کرد و رها شد. (نک: عوفی ۱، ۱۹۰۶ م: ۵۲؛ و نیز، رازی ۲، ۱۳۷۸: ۱۲۴۸)
۴. قرچغای: میرفندرسکی؛ مرعشی: لمیر ابوالقاسم؟؟؟ [در میکروفیلم ادامه سطر خوانا نیست]؛ مجلس: قصیده میرابوالقاسم؛ دانش: و له قدس سره العزیز هذه القصيدة الیائیه؛ قاضی: من کلام سعادت انجام سید اعز اجل میرابوالقاسم رحمه [الله علیه]، [کلمات داخل کمان در اساس افتاده است به قرینه معنوی اصلاح شد]؛ قدوس: میرابوالقاسم فندرسکی رحمه الله تعالی؛ دانا: لسید العلما و الحکما میرابوالقاسم الفندرسکی؛ حفیظ: - عنوان؛ تحفه: قصیده جناب المرحوم المغفور السید النجیب النسب الحسب الاجل حکیم الهی میر ابوالقاسم الموسوی الحسینی الفندرسکی رحمه الله تعالی؛ رضی: سیدالعلما و الحکما میرابوالقاسم الفندرسکی؛ ملک: لسید الحکما امیر ابوالقاسم قدس سره.
۵. قاضی: زیر چرخ
۶. مجلس: خوب؛ دانش در حاشیه: + بمعنی خوب و نیک و نیکو باشد و هر چیز عجیب و بدیع را نیز گفته‌اند که دیدنش خوش آید و چست و چابک را هم گفته‌اند. برهان
۷. نجفی: - و

۸. آتشکده: - و
۹. تحفه: آنچه
۱۰. دانش، ملک، آتشکده (در نسخه چ)، مجمع الفصحاء: بر
۱۱. علیقلی، مرعشی، دانش، فاضل، ملک: صورتی
۱۲. اساس: از زیر؛ مرعشی، قاضی، قدوس، دانا، حفیظ، آستان، تحفه، رضی، ملک (در حاشیه)؛ نصرآبادی: زیرین
۱۳. مرعشی، مجلس؛ دانش، قدوس، دانا، حفیظ: بر؛ تحفه، نصرآبادی: از؛ آتشکده (در نسخه اف)، نجفی: بر
۱۴. آستان: گر
۱۵. حفیظ: می‌رود؛ نصرآبادی: برشود
۱۶. آتشکده (در نسخه چ): جانب بالا رود
۱۷. علیقلی: می‌نیابد
۱۸. علیقلی، اساس (در حاشیه)، مجلس، دانش، ملک: عقل؛ قدوس، دانا، آستان، رضی، آتشکده، ریاض: فهم؛ آتشکده (نسخ ج، س و ش): وهم
۱۹. نجفی: در نیابد این سخن را هیچ فهم ظاهری
۲۰. دانا: ور
۲۱. حفیظ: نفس
۲۲. حفیظ: کبود
۲۳. آستان: - بیت ۴
۲۴. قدوس، تحفه، نجفی: آن را
۲۵. علیقلی، مجلس، دانش، دانا، حفیظ، تحفه، رضی، فاضل: گوهری
۲۶. حفیظ: باشد
۲۷. حفیظ: - دعوی ما
۲۸. مجلس، حفیظ: - و؛ مجمع الفصحاء: شاهدهی
۲۹. دانا، رضی: که
۳۰. اساس: سخنها، (در حاشیه): صفتها؛ حفیظ: سخنها
۳۱. علیقلی، مجلس، دانش، فاضل، ملک: کن
۳۲. حفیظ: - و
۳۳. قاضی: - و
۳۴. اساس (در حاشیه): بیناستی خ ل
۳۵. علیقلی، قدوس: صورتی
۳۶. مرعشی، مجلس؛ دانش، قاضی، قدوس، دانا، تحفه، رضی، ملک: و؛ حفیظ، ریاض، مجمع الفصحاء: که
۳۷. مرعشی، مجلس، قاضی: - و
۳۸. تحفه: «شود» هم می‌توان خواند؛ نجفی: صورت عقلی که جاویدان بی پایان بود

۳۹. ریاض: هم
۴۰. قدوس، تحفه: مجموعه، - و؛ حفیظ، نجفی: - و؛ مجمع الفصحاء: مجموع و هم
۴۱. آستان: - بیت ۷
۴۲. اساس: فت
۴۳. علیقلی، دانش، دانا، حفیظ: بر
۴۴. قاضی: فرق ما تا؛ دانا: فوق ما بر
۴۵. علیقلی، مجلس، فاضل، ملک: فرمود؛ حفیظ: بگشوده
۴۶. قدوس، تحفه: هفت ره بر آسمان از فرق ما فرموده حق؛ ریاض، مجمع الفصحاء: هفت ره بر آسمان از فوق ما فرموده حق؛ نجفی: هفت ره بر فرق ما بر آسمان فرمود حق
۴۷. اساس: به دلیل افتادگی ناخوانا است
۴۸. مرعشی، مجلس، دانش، رضی، ملک: بر
۴۹. قاضی، قدوس، مجمع الفصحاء: هفت در از سوی دنیا جانب عقباستی؛ دانا، تحفه، «رضی (در حاشیه)»: هفت ره از سوی دنیا در ره عقباستی؛ هفت ره بر چرخ از دنیا سوی عقباستی؛ ریاض: هفت در از سوی دنیا جانب عقباستی؛ نجفی: هفت ره از سوی دنیا جانب عقباستی
۵۰. مجلس، قاضی، حفیظ، آستان، نجفی: بر دری از؛ تحفه: از ز دل بر آسمان...
۵۱. مجلس، دانش: بنگشایند؛ قاضی: به نگشایند؛ دانا، آستان، نجفی: نه بگشایند
۵۲. حفیظ: برویش
۵۳. دانا: گر نه
۵۴. آستان، ریاض، مجمع الفصحاء: می توانی از ره آسان شدن بر آسمان؛ مرعشی: - مصرع دوم بیت ۱۰ و مصرع نخست بیت ۱۱
۵۵. حفیظ: که اینجا
۵۶. دانش: در حاشیه: + دروغ؛ قاضی، قدوس، تحفه: آیات ۹ و ۱۰ را جا به جا آورده است؛ نجفی: - بیت ۱۰
۵۷. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، قاضی، دانا، آستان، تحفه، رضی، فاضل، ملک، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: گهر
۵۸. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، قاضی، دانا، آستان، تحفه، رضی، فاضل، ملک، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: سفته‌اند؛ قدوس، حفیظ: اینکه پُر دُر رمز، دانایان پیشین گفته‌اند
۵۹. ریاض، مجمع الفصحاء: در
۶۰. حفیظ: بگزر
۶۱. ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: او
۶۲. حفیظ: مشهور؛ آستان، نجفی: محجوب
۶۳. قاضی، آستان، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: راستی پیدا کن و این راه رو گر راستی؛ قاضی: بیت ۱۹ را بعد از بیت ۱۲ آورده است؛ دانا، رضی: ... گو ناراستی؛ حفیظ: ... گو یا راستی؛ تحفه: ... این راست تو ما راستی

۶۴. علیقلی، مجلس، دانش، قاضی، قدوس، دانا، آستان، تحفه، رضی، ملک؛ نصرآبادی، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء؛ خواهشی؛ حفیظ: خواستن
۶۵. علیقلی، مجلس، دانش، تحفه، ملک، نصرآبادی، مجمع الفصحاء: خواستی
۶۶. مجمع الفصحاء: آن
۶۷. دانا، رضی: بعد از این بیت، بیت ۲۰ را آورده است؛ آستان: خواهشی؛ تحفه: با این بیت پایان می‌پذیرد. در ترتیب ابیات نسخه تحفه نیز جابه‌جایی هست. ترتیب ابیات آن عبارت است از: ۱ تا ۸، ۱۰، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۲۱، تا ۲۴، ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۲۹، ۲۶، ۳۱ تا ۳۷، ۲۰ و ۱۳؛ نسخه تذکرة الشعرا نصرآبادی تنها ۷ بیت از مجموع ابیات را ذکر کرده است. ترتیب ابیات عبارت است از: ۱، ۲، ۳، ۱۴، ۳۷، ۲۰ و ۱۳؛ ریاض العارفین و مجمع الفصحاء در عین تطابق با هم، هم در تعداد و هم در ترتیب تفاوت‌هایی با اساس دارد. ترتیب ابیات آن‌ها عبارت است از: ۱ تا ۷، ۳۸، ۸، ۱۰، ۳۹، ۱۱، ۱۲، ۴۰، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۲۴، ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۲۵، ۲۸، ۳۰ تا ۳۷، ۱۳.
۶۸. علیقلی: - و
۶۹. آستان: عقل کشتی آرزو کرده است و دانش بادبان؛ آشکده (نسخه اف): نردبان
۷۰. علیقلی، دانش: دنیا
۷۱. قدوس: کردکار
۷۲. قاضی: قول زیبا هست با کردار نیکو سودمند؛ آستان: قول زیبا هست با کردار زیبا سودمند؛ رضی، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: ... بی کردار نیکو...
۷۳. قدوس: کردکار
۷۴. رضی، نجفی: نیکو
۷۵. مجمع الفصحاء: دلکش
۷۶. نجفی: - و
۷۷. آستان: - به
۷۸. اساس: نیکو، (در حاشیه) کردن خ ل؛ دانا، حفیظ، رضی: نیکو
۷۹. علیقلی: تکرار مصرع اول بیت ۱۶ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۸۰. حفیظ، آستان، ریاض، مجمع الفصحاء: بردن
۸۱. فاضل: نسخه فاضل در همین موضع قطع شده است و سایر ابیات ظاهراً در صحافی افتاده است
۸۲. تحفه: عقل
۸۳. قاضی، قدوس، تحفه: آرزو
۸۴. آستان، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: بگسست
۸۵. دانش، قاضی: ماند
۸۶. قاضی، تحفه، حفیظ: چون به یک بندی رسد
۸۷. آستان، ریاض، مجمع الفصحاء: رسی
۸۸. علیقلی، مرعشی، دانش: بیت ۲۰ را پیش از این بیت آورده است
۸۹. دانش: آرزومندان برون؛ دانا: آرزومند برون
۹۰. علیقلی، مجلس، دانش: - و

۹۱. اساس: کایاستی، اساس (در حاشیه): با کاستی ظ؛ مرعشی: - بیت ۱۸؛ مجلس: کاناستی؛ دانش: کاماستی؛ حفیظ، آستان: - بیت ۱۸؛ نجفی: کَنَاسْتی؛ با توجه به معنای «کانا» از نسخه‌های علیقلی و مجلس اصلاح شد. (نک: پی‌نوشت)
۹۲. مجلس: چیزی
۹۳. نجفی: درون
۹۴. علیقلی، مرعشی، ریاض: نی برون از ما و نی با ما و نی بی‌مستی؛ مجلس، قدوس، رضی: نه برون از ما و نه با ما و نه بی‌مستی، دانش: نه برون از ما و نه با ما و نی باماستی؛ دانا: بعد از این بیت، بیت ۲۵ را آورده است؛ آستان، مجمع الفصحاء: نی برون از ما و نی بیما و نی با ماستی؛ تحفه: نه برون از ما و نه بی‌ما و نه بی‌با ماستی
۹۵. قاضی: پابنده؛ آستان: دریند
۹۶. قدوس: نفس را این آرزو باشد و آن و در جهان
۹۷. مجلس، حفیظ: - بیت ۲۰؛ آستان: تا به بیند راز دلق و بند اندر پاستی، نسخه آستان بیشترین حد جابه‌جایی را در ابیات دارد. ترتیب ابیات عبارت است از: ۱ تا ۶، ۳۸، ۱۰، ۹، ۳۹، ۱۱، ۱۲، ۴۰، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۲۱ تا ۲۴، ۱۴، ۴۱، ۱۷، ۲۷، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۲۹، ۲۶، ۳۱ تا ۳۵، ۱۳، ۳۶، ۳۷ و ۲۰. همچنین بیتی را به آخر ابیات افزوده که در نسخ دیگر نیست. آستان: + آستینی بوده‌ام بیدست من در این محال/ دست او را امتداد است سید داناستی
۹۸. آستان: در میان
۹۹. مرعشی: برخوان از صمد؛ حفیظ: میخوان ابجدی؛ تحفه: الحمد
۱۰۰. اساس (در حاشیه): کز؛ مرعشی، مجلس، دانش، قدوس، ملک: وز؛ آستان، نجفی: در
۱۰۱. رضی: حدی
۱۰۲. قاضی: از میان برداشتن چیزی که نایاراستی
۱۰۳. حفیظ: نپند
۱۰۴. علیقلی: - و
۱۰۵. حفیظ: زیر وی؛ + «در میان» سلب و ایجاب...
۱۰۶. علیقلی، مرعشی، مجلس، تحفه، ملک: پیداستی؛ قاضی، قدوس: از میان سلب و ایجاب این جهان پیداستی؛ آستان: از میان سلب و ایجاب انجهان پیداستی
۱۰۷. مجلس، قاضی، حفیظ، آستان، تحفه، رضی، نجفی: اینجا
۱۰۸. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، قدوس، تحفه، رضی، ملک: وین
۱۰۹. مجلس، دانش، حفیظ: نگوئی
۱۱۰. قاضی، نجفی: این جهان و آن جهان و با جهان و بی‌جهان؛ آستان: این جهان وان جان با این جهان بی جهان
۱۱۱. حفیظ: بتوان
۱۱۲. آستان، ریاض، مجمع الفصحاء: ... مشکل است
۱۱۳. دانش: + و
۱۱۴. مجمع الفصحاء: آن

۱۱۵. قاضی: گفت دانا نفس ما را بعد ما باشد وجود؛ تحفه: ... نفس ما را هست بعد ما وجود
۱۱۶. قاضی: می‌بماند؛ حفیظ، تحفه: مینماید؛ رضی: نی نماند
۱۱۷. قدوس: خیرست و شر؛ حفیظ: خیر و شر است
۱۱۸. قاضی، قدوس، آستان، تحفه، ریاض: گفت دانا نفس ما را بعد ما باشد وجود
۱۱۹. علیقلی، مرعشی، قاضی، دانا، حفیظ، ملک، ریاض: جزا
۱۲۰. مجلس، قدوس، تحفه: وز جزا وز عمل؛ دانش: در جزا و از عمل؛ نجفی: از جزا و از عمل
۱۲۱. تحفه: یکتا
۱۲۲. دانا، رضی: آزاده، - و
۱۲۳. آستان: ... آزاد و هم پرساستی
۱۲۴. مرعشی: ... نفس ما ماضی و حالست و پس؛ دانش: ... نفس با ماضی و حال است و سپس؛ قاضی: ... نفس ما ماضی حالست و سبب؛ قدوس، تحفه، رضی، ملک: ... نفس ما ماضی و حالست و سپس؛ حفیظ: ... نفس با ماضی و حال است و؛ آستان: ... نفس را ماضی و حال است و پس
۱۲۵. علیقلی: بالای بیت ۲۸ علامت م و بالای بیت ۲۹ علامت خ گذارده است. بدین معنی که باید ابتدا بیت ۲۹ بیاید سپس بیت ۲۸.
۱۲۶. مجلس، دانش: انجام و آغازی
۱۲۷. مرعشی: این بیت را پس از بیت ۳۲ آورده است؛ قاضی: پیداستی؛ حفیظ: گفت دانا نفس را انجام بی مبداستی؛ نجفی: هم بشرط شیء باشد هم بشرط لاستی
۱۲۸. مرعشی، تحفه: ما
۱۲۹. قدوس: جای؛ آستان، ریاض: با جا؛ نجفی: با جاه؛ مجمع الفصحاء: بی جا
۱۳۰. نجفی: بیجاه؛ مجمع الفصحاء: با جا
۱۳۱. علیقلی، مرعشی، قاضی، دانا، رضی: ... نفس نی در جا و نی بیجاستی؛ آستان: ... نفس هم بیجا و هم با جاستی؛ ریاض، مجمع الفصحاء: ... نفس نی بی جا و نه باجاستی؛ نجفی، مصرع دوم بیت ۳۱ را با مصرع دوم بیت ۳۲ جابه‌جا کرده است: نه بشرط شیء باشد نه بشرط لاستی
۱۳۲. قاضی: گفت دانا نفس را وصفی و هیچی را نگفت؛ حفیظ: ... وصفی ندانم هیچ گفت
۱۳۳. علیقلی: نی بشرط شیء باشد نی بشرط لاستی؛ دانا: تا همین بیت را دارد و در برخی مواضع ترتیب ابیات با اساس مطابق نیست. ترتیب ابیات این نسخه عبارت است از: ۱ تا ۱۳، ۲۰، ۱۴ تا ۱۸، ۲۵ تا ۳۲. بیت ۱۹ و ابیات ۲۱ تا ۲۴ و از بیت ۳۳ تا آخر هم ساقط شده است؛ نجفی: گفت دانا نفس را اوصاف لانداستی
۱۳۴. حفیظ: - سخنها
۱۳۵. نجفی: بر؛ مجمع الفصحاء: و
۱۳۶. آستان، مجمع الفصحاء: فهم
۱۳۷. حفیظ: دور یابد
۱۳۸. قاضی، قدوس: گفته؛ تحفه، رضی: ... گفته معماستی
۱۳۹. علیقلی: دررباید گفته کاین گفته معماستی؛ آستان: در نباید گفته او را که این معماستی؛ ریاض، مجمع الفصحاء: در نباید این سخنها کاین سخن معماستی؛ نجفی: درد یابد گفته را کاین گفته معماستی

۱۴۰. قاضی: هر یکی با دیگری دارد دلیل و گفته [گفته‌ای]؛ حفیظ، آستان: ... دلیل از گفته؛ تحفه: دلیل از گفته؛ ریاض: ... دارد دلیل از گفته [ای]
۱۴۱. حفیظ: - و
۱۴۲. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، آستان، ملک: بیتکی از بومعین دارم، قدوس، ریاض: بیتکی از بو معین آرم؛ تحفه: ... از تو معین آرم
۱۴۳. آستان: بر
۱۴۴. دانش، رضی: خویش؛ قاضی: بیتکی از تو معینی آرم استشهد این؛ حفیظ: بیتکی از بومعین آرم باستشهد خویش؛ نجفی: نکته از بومعین آرد در استشهد خویش
۱۴۵. مرعشی، آستان، تحفه، رضی، مجمع الفصحاء: آن؛ قاضی: این
۱۴۶. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، قاضی، قدوس، حفیظ، آستان، رضی، ملک، ریاض، مجمع الفصحاء: اینجاستی؛ تحفه: بیجاستی؛ نجفی: هر چه او در جای دیگر لایق اینجاستی
۱۴۷. دانش: بیره؛ قدوس: نزد؛ حفیظ، رضی: بهره
۱۴۸. نجفی: راه
۱۴۹. دانش، مجمع الفصحاء: افتد؛ آستان: آرد
۱۵۰. قاضی: این
۱۵۱. علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش، قدوس، آستان، تحفه، رضی، ملک، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: قسطای
۱۵۲. قاضی: نوعاستی؛ حفیظ: بوقاستی؛ آستان: این نوعاستی؛ تحفه: لوناستی
۱۵۳. تحفه: سابق
۱۵۴. علیقلی: می‌نگفتندی؛ دانش، قاضی، آستان، تحفه، ملک، آتشکده، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: می‌بگفتندی
۱۵۵. علیقلی، قاضی، قدوس، آستان، تحفه، نصرآبادی، آتشکده، ریاض، نجفی، مجمع الفصحاء: تا؛ حفیظ، ملک: کاین
۱۵۶. علیقلی: تمت قصیده، در حاشیه صفحه ۲۶۹ و ۲۷۰ چند بیت الحاقی با خط دیگری آمده است؛ علیقلی، مرعشی، مجلس، دانش: از بیت ۳۸ تا آخر را ندارد؛ مجلس: + تمت القصیده السید المحقق ابوالقاسم الفندرسکی نورالله مضجعه [کلمه مضجعه خوانا نیست، با قراین اصلاح شد]؛ دانش: برخاستی، + تمت القصیده؛ قاضی: + تم مقاله الشعر البرهانیة قدس سره العلی؛ نسخه قاضی بسیاری از ابیات را جابه‌جا آورده است. ترتیب ابیات آن عبارتند از: ۱ تا ۴، ۶ تا ۸، ۱۰، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۲۱ تا ۲۴، ۱۴، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۲۹، ۲۶، ۳۱ تا ۳۷، ۲۰ و ۱۳؛ قدوس از بیت ۳۸ تا آخر را ندارد و نیز ابیات را جابه‌جا آورده، ترتیب ابیات آن عبارت است از: ۱ تا ۸، ۱۰، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱۵، ۱۶، ۲۱ تا ۲۴، ۱۴، ۱۷، ۲۷، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۲۹، ۲۶، ۳۱ تا ۳۷، ۲۰ و ۱۳، به عبارتی وضعیت آن نیز کمابیش شبیه نسخه قاضی است؛ نسخه حفیظ: تا همین بیت را آورده و از بیت ۳۸ تا آخر را ساقط کرده است.
۱۵۷. ریاض، مجمع الفصحاء: خوانمش
۱۵۸. مجمع الفصحاء: داری
۱۵۹. نجفی: پنہاستی

۱۶۰. علیقلی (الحاقی با خط دیگر): هر که شد فانی باو یابد حیات جاودان... [مابقی ناخوانا به دلیل بریدگی از لبه کاغذ]
۱۶۱. ریاض: ذاتش
۱۶۲. ریاض: نیاید؛ نجفی: نباشد
۱۶۳. آستان: کم ساز؛ نجفی: میسوز
۱۶۴. علیقلی (الحاقی با خط دیگر): حفیظ: - بیت ۱۵
۱۶۵. آستان: ساحل آمد بحر امکان را و جوب معرفت؛ نجفی: حاصل آمد بیگمانی بحر امکان را وجود؛ علیقلی (الحاقی با خط دیگر): در تعین ساحل آمد بحر امکان نو و جوب
۱۶۶. علیقلی (الحاقی با خط دیگر): گفتن دانا بدین
۱۶۷. آستان: بر این سان گفته‌ها؛ نجفی: گفتارها
۱۶۸. نجفی: این
۱۶۹. نجفی: - و
۱۷۰. نجفی: آنکه اندر گوهر پاکش دوصد دریاستی
۱۷۱. نجفی: آید
۱۷۲. اساس: ناخوانا
۱۷۳. نجفی: گر نهان حسرت بدل باشد دگر پیداستی
۱۷۴. اساس: مصرع دوم ناخوانا؛ از رضی نقل شد
۱۷۵. نجفی: این و آن را
۱۷۶. نجفی: حد
۱۷۷. رضی: چو نباشد آن که را حد سازد اندر عقل ما
۱۷۸. رضی، نجفی: بیحد
۱۷۹. نجفی: خدای
۱۸۰. نجفی: هم نه آنست و نه این و هم از این بالاستی
۱۸۱. نجفی: روی
۱۸۲. نجفی: حلمش
۱۸۳. آستان: ایجاب
۱۸۴. نجفی: همچنین هم گر بگویی کی بود ناراستی
۱۸۵. نجفی: هر کسی را کی
۱۸۶. رضی: هر چه باشد در یکی در دیگری باشد دفین/ هر یکی زین رو توان گفتن که او یکتاستی
۱۸۷. رضی: چو
۱۸۸. رضی: ظن آنکه در
۱۸۹. نجفی: گفتمت
۱۹۰. رضی: چونکه مرغ آمد برون خود بیضه ...
۱۹۱. رضی: ور تو گویی جوجه از نیستی آمد برون
۱۹۲. نجفی: ... گویی که در خود گفتگو...

۱۹۳. رضی: رسد
۱۹۴. رضی: نه بیند
۱۹۵. نجفی: او
۱۹۶. نجفی: درجاستی
۱۹۷. رضی: هم زخاک و باد و آتش
۱۹۸. رضی: + هم او
۱۹۹. رضی: گرچه از بیرون پر از شور و شر و غوغاستی؛ نجفی: گر کنون این موج‌ها در جنبش و غوغاستی
۲۰۰. رضی: آمد
۲۰۱. نجفی: جوهر
۲۰۲. رضی: ته نشین قعر این دریای بی‌پهناستی
۲۰۳. نجفی: دریای
۲۰۴. رضی: هر که از دریای گردون رو نهاد در آخرت
۲۰۵. نجفی: مذاهب
۲۰۶. رضی: یکی
۲۰۷. نجفی: خواستی؛ رضی: + تمت القصيدة المباركة بعون الله تعالى؛ با این بیت نسخه رضی پایان می‌پذیرد. در این نسخه نیز جابه‌جایی ابیات وجود دارد. ترتیب ابیات عبارت است از: ۱ تا ۱۳، ۲۰، ۱۴ تا ۱۸، ۲۵ تا ۳۷، ۵۲ تا ۵۸، ۱۹، ۲۱، ۴۸، ۲۲ تا ۲۴، ۴۴ تا ۴۶، ۳۸، ۶۲، ۶۳، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۵۹، ۶۰، ۴۱، ۶۱.
۲۰۸. رضی، نجفی: پیوسته
۲۰۹. نجفی: علم اليقين
۲۱۰. رضی: می‌شوی
۲۱۱. رضی: به جای این مصرع، مصرع دوم بیت ۶۳ را آورده است
۲۱۲. نجفی: علم
۲۱۳. رضی: از تغیر نیست خالی غیر ذات حق ولی
۲۱۴. اساس (در حاشیه): حق
۲۱۵. اساس (در حاشیه)، نجفی: خود
۲۱۶. رضی: به جای این مصرع، مصرع دوم بیت ۶۴ را آورده است؛ نجفی: برخاستی
۲۱۷. نجفی: ها
۲۱۸. نجفی: نه گردیدی
۲۱۹. نجفی: حیات
۲۲۰. اساس (در حاشیه): هم
۲۲۱. نجفی: در؛ نسخه نجفی نیز در تعداد و ترتیب ابیات تفاوت‌هایی دارد. ترتیب ابیات آن عبارت است از: ۱ تا ۹، ۱۱ تا ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۱۹، ۲۲ تا ۲۵، ۲۷ تا ۳۳، ۳۶، ۳۵، ۳۸، ۳۷، ۳۹ تا ۵۲، ۵۴، ۵۷ تا ۶۵، ۶۷. ابیات افتاده: ۱۰، ۱۹، ۲۶، ۳۴، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۶.

منابع و مأخذ

الف: چاپی

- ابن ترکه، صابن‌الدین علی، شرح گلشن راز. تصحیح و تعلیق: کاظم دزفولیان، نشر آفرینش، تهران، ۱۳۷۵.
- اوحدی حسینی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین. تصحیح: ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمدا؛ ناظر علمی: محمد قهرمان؛ ۸ جلد؛ انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- اوحدی دقاقی بلیانی، تقی‌الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین. مقدمه، تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی؛ ۷ جلد؛ انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۸.
- بلخی رومی، جلال‌الدین، دیوان کبیر، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
- بیگدلی شاملو، لطفعلی بیگ بن آقاخان متخلص به آذر، آتشکده. بخش دوم، با تصحیح و تحشیه و تعلیق: حسن سادات ناصری؛ مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸.
- خوشگو، بندرا بن داس، سفینه خوشگو. تصحیح: کلیم اصغر با همکاری و ویراستاری علمی مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی؛ ۲ جلد؛ انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- خیامپور، ع، فرهنگ سخنوران؛ انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۶۸.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران «فنا»؛ ۳۸ جلد؛ انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، (۹۰-۱۳۹۳).
- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، تصحیح، تعلیقات و حواشی: سیدمحمدرضا طاهری «حسرت»؛ ۳ جلد؛ انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۸.
- عبرت مصاحبی نایینی، محمدعلی، مدینه‌الادب. چاپ عکسی، ۳ جلد؛ انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- عوفی، محمد، لباب‌الالباب، به سعی و اهتمام ادوارد برون، مدرس السنة شرقیه در دارالفنون کمبریج، با مقدمه محمد قزوینی، ۲ جلد، انتشارات لیدن، بریل، ۱۹۰۶.
- قفطی، قاضی‌اکرم، جمال‌الدین ابوالحسن شیبانی، تاریخ الحکما قفطی، به کوشش: بهمن دارابی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۱.
- کاشانی، میر تقی‌الدین، خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار، بخش کاشان، به کوشش: عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۴.
- کاشانی، میر تقی‌الدین، خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار، بخش اصفهان. به کوشش: عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی و شورای گسترش زبان فارسی، تهران، ۱۳۸۶.
- گلچین معانی، احمد، تذکره پیمانه: در ذکر ساقی‌نامه‌ها و احوال و آثار ساقی‌نامه‌سرایان، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۶۸.

- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، جلد ۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.
- معصوم شیرازی، محمد، طرائق الحقایق، ۳ جلد، تصحیح: محمدجعفر محجوب؛ کتابخانه بارانی، تهران، ۱۳۴۹.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، کلیات شمس یا دیوان کبیر، تصحیح و حواشی: بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
- نصرآبادی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا، تصحیح و تحشیه: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۸.
- واله داغستانی، علیقلی خان، تذکره ریاض الشعرا، تصحیح: محسن ناجی نصرآبادی، ۵ جلد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.
- واله داغستانی، علیقلی خان، تذکره ریاض الشعرا، تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها: ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، ۲ جلد، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.
- هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، تذکره ریاض العارفین، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
- هدایت، رضاقلی بن محمد هادی، مجمع الفصحاء، به کوشش: مظاهر مصفا، (دو جلد در شش بخش)، ۶ مجلد، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.

ب: مقالات

- گواهی میرفندرسکی، زهرا، «میرابوالقاسم میرفندرسکی»؛ در: مشکوة (مجله)؛ شماره ۲۹؛ مؤسسه پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

ج: خطی

- آذر بیگدلی، لطفعلی بن آقاخان، (نسخه شماره: ۸۳۳۸)، آتشکده آذر، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- بی‌نام، (نسخه شماره: ۱۷۷۶۴/۳)، اشعار، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- بی‌نام، (نسخه شماره: ۶۲۹ - طباطبایی)، الفقهیه المستطرفه، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- تبریزی اصفهانی، ابوطالب خان، (نسخه شماره: ۱۳۰۶/۱)، خلاصه الافکار: در ذکر احوال شعرا با برخی شعرهای آنان، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- الحسینی شیرازی، میرابوالمفاخر بن فضل‌الله، (نسخه شماره: ۸۵۳۶) جنگ نظم و نثر. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- حسینی کاشانی، تقی‌الدین محمد بن شریف‌الدین علی، (نسخه شماره: ۲۷۲ فیروز). خلاصه الاشعار وزبده الافکار. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- حسینی کاشانی، تقی‌الدین محمد بن شریف‌الدین علی، (نسخه شماره: ۵۰۳۴). خلاصه الاشعار و زبده الافکار. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

- سیستانی، حسین بن غیاث‌الدین محمد. (نسخه شماره: ۹۲۳). تذکره خیرالبیان. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- شیخ حرّ عاملی (نسخه شماره: ۱۸۵۶۷). تذکره‌المتبحرین یا الامل الامل فی [تراجم] علماء جبل عامل. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- عذری بیگدلی، اسحق بیک. (نسخه شماره: ۳۱۰۵). تذکره شعرا. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- قرچغای قمی، علیقلی. (نسخه شماره: ۲۵۷۹). مجموعه. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
- نصرآبادی، محمدطاهر. (نسخه شماره: ۳۰۱۶). تذکره نصرآبادی. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- هدایت، رضاقلی بن محمدهادی. (نسخه شماره: ۱۵۰۵۹). ریاض العارفین. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (هدایت ۸، ۱۲۷۰ هـ.ق: ۱۲۰)
- همدانی، علی محمد بن احمد. (نسخه شماره: ۱۳۵۷۸). زبدة‌المنتخبین. نسخه خطی؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.